



نیاز جامعه امروز به سبک زندگی علمای دیروز

■ **معصومه طاهری**

در دنیای اسلام چند قبرستان مشهور و قدیمی وجود دارد که قسمت اعظمی از هویت تاریخی مسلمانان را در خود جای داده است. قبرستان بقیع اولین و قدیمی‌ترین قبرستان است که علاوه بر اهل بیت، صحابه پیامبر و شخصیت‌های مشهور اسلام هم در آن مدفون هستند، بعد از آن وادی السلام در نجف اشرف است؛ قبرستان عظیمی که درباره آن مطالب و روایات زیادی نوشته شده. اما سومین قبرستان بزرگ و معروف در ایران و شهر اصفهان است؛ یعنی همان تخت فولاد؛ قبرستانی که علما، ادبا، هنرمندان و مشاهیر مختلف سیاسی و فرهنگی آنجا مدفون هستند و البته تنها این قبرستان با نام چهره‌های مشهوری که بر روی سنگ قبرها نوشته شده شناسخته نمی‌شود، بلکه تخت فولاد را بیشتر به اکرام علمای آن می‌شناسند. پس از انقلاب بخش جدیدی به تخت فولاد اضافه شد به نام گلستان شهدا، مکانی که شهدای هشت سال دفاع مقدس از جمله شهیدان خرازی، کاشفی، ردانی پور و… در دل خود دارد.

اما فارغ از تمام مشخصه‌های ارزشمندی که باعث یادگانی و شهرت جهانی تخت فولاد شده، آن است که از روی زندگی‌نامه و شرح حال بعضی از علما و بزرگان تخت فولاد این‌س طور برمی‌آید طی حدود ۳۰ یا ۴۰ سالگی به تحصیل علم و انهدا پرداخته بودند. برای نمونه میرزا شاه جهانگیر خان قشقایی بعد از گذشت ۴۰سال با تئلگری که در زندگی‌اش به‌وجود آمد توانست مراتب علمی و دینی را به موفقیت پشت سر بگذارد. مورخی درباره او نوشته است: «در یکی از کتابستان‌ها که ایل قشقایی به ییلاق میسریم آمده بود، جهانگیرخان نیز مانند سایر افراد ایل که برای خرید و فروش و رفع حوائج شخصی خود به اصفهان می‌آمدند به اصفهان آمد. تارش هم خراب شده بود و می‌خواست آن را تعمیر کند. از شخصی سریع تارساز را گرفت و او یحیی ارمنی، تارساز معروف مقیم خلایف اصفهان را به او نشان داد و به او گفت: بروی کار بهتری و علم بیاموز، از تار زدن بهتر است.» گفته آن شخص به جهانگیرخان خیلی اثر کرد. او در مدرسه صدر حجره‌ای برای خود گرفت و با یک عتیق و علاقه‌مطری بیی تحصیل رفت و رتبه‌اش به جایی رسید که یکی از بزرگان حکما و فقها و مدرسین اصفهان شد.» با آقا میر سیدمحمد حسینی شهپشانی از علما و مشاهیر سالگی زندگی‌اش متحول شد. گفته می‌توزد ۳۰ دنبال درس و کتاب نبوده، روزی با یکی از جوانان هم‌سن و سال دعوی‌ا سختی می‌کند و بعد از ترس

ساخت مستندی درباره زندگی «سعدی افشار»



مستند «روایتی از زندگی سعدی افشار» به کارگردانی امیر حسین گموران، با حمایت مرکز گسترش سینمایی مستند و تجریتی در مرحله فیلمبرداری است. این فیلم مستند به دنبال به تصویر کشیدن دورانی از زندگی پر فراز و نشیب «سعدی افشار» و اتفاقات پس از فوت اوست. امیر حسین گوران با اظهار این مطلب افزود: سعدی افشار در این فیلم مستند، به بیان تجربیات و گفته‌های قلبی‌اش که در هیچ فیلم یا منبعی ثبت نشده، پرداخته است. این هنرمند یکی از معدود بازیگران صاحب‌سبک تئاتر روحوضی ایران است که او را چارلی چاپلین دوم جهان می‌دانند! این مستندساز تأکید کرد:

نامزدهای بخش «مان» جشنواره شهید غنی‌پور معرفی شدند

نتیجه مرحله نیمه نهایی شانزدهمین جشنواره کتاب سال شهید حبیب غنی‌پور در بخش رمان اعلام شد. محمد ناصری دبیر شانزدهمین دوره انتخاب کتاب سال شهید حباغی غنی‌پور با تشریح روند بررسی آثار، نتیجه مرحله نیمه نهایی بخش رمان را اعلام کرد. هیئت داوران بخش رمان جشنواره متشکل از آقایان احمد دهقان، ابراهیم زاهدی‌مطلق، محمدعلی قربانی، مصطفی خرامان و محمد شجاعی، پس از

فرهنگ‌و هنر

سیروس فرهنگی ۸۸۴۹۸۴۶۶

یادداشتی در واکنش به موضع‌گیری‌ها علیه نقد محتوایی

چرا نقد محتوایی فراگیر تر است؟



■ **محمدامین نوروزی**

«نقد محتوایی» بهتر است یا «نقد فرمی»؟ قبل از پاسخ به این سؤال بهتر است بگوییم نقد محتوایی و نقد فرمی هر کدام چه هستند؟ نقد محتوایی به این می‌پردازد که فیلم «چه می‌گوید؟» محدود به همان منطقه است و برد ملی و فراملی خاصی تاکنون نداشته است؛ شخصیت‌هایی مانند جهانگیرخان نیاز جامعه امروز است و اگر کسی نامی از آنها را شنیده باشد تنها به واسطه منبر و فرهنگ بسیاری هستند که به شیوه‌های مختلف منبری‌ای بوده درحالی که دستگاه‌ها و قالب‌های نامی از آنها را نقد ساختاری و تکنیکی گذاشت. تکلیف‌مان با نقد محتوایی مشخص شد. حرف از بررسی و ارزیابی محتوا و مضمونی که فیلمساز می‌خواهد از آن صحبت کند کاملاً مشخص است. اما به‌نظر فیم نقد فرمی کمی پیچیده‌تر و دشوار است. چرا؟ برای ارزیابی چگونگی در بخش فنی و ساختاری که در نهایت فرم فیلم را تشکیل می‌دهد باید آیت‌های متنوعی را مدنظر قرار داد.

چه چیزهایی فرم یا ساختمان فنی و تکنیکی یک فیلم سینمایی را تشکیل می‌دهند؟ فیلمنامه (داستان، شخصیت، دیالوگ، تعلیق و…) دکوپاژ، میزاسنس (به عنوان دو وظیفه اصلی کارگردان)، تصویر، نور، صدا، بازیگر، طرح جنبه و لباس، موسیقی، گریپ، تدوین، تقریباً این موارد آیت‌های اصلی تشکیل‌دهنده ساختار فنی یک اثر سینمایی هستند که با هدایت و مدیریت کارگردان به عنوان رهبر گروه ترکیب و جیش درستی برای رسیدن به یک فرم درست و دقیق سینمایی است. حال کسی که می‌خواهد منتقد فنی فیلم باشد و به ارزیابی اثری مثبت یا منفی بپردازد، آیت‌های بالا را مدنظر قرار می‌دهد.

در این میان به‌نظر می‌آید کارگردانان می‌توانند منتقدان فنی خوبی باشند چراکه دانش لازم برای بکارگیری تخصص‌های مختلف را دارا هستند و می‌دانند هر کدام چگونه کنار همدیگر قرار بگیرند تا هنری را تشکیل می‌دهند. در واقع منتقد باید به اندازه یک کارگردان دانش فنی مناسب داشته باشد و شاید فقط قدرت مدیریت نندارد و گر نه هم‌زمان کارگردان می‌شد. اما یک کارگردان هم نمی‌تواند منتقد فنی تمام‌عیار باشد چراکه او هم دانش و تخصصی در همه عناصر تشکیل‌دهنده یک فیلم را ندارد و صرفاً باید تکیه بر مهارت سنی می‌کند که متخصصان دیگر را به هدایت خود رهنمون کند تا آن چیزی که مدنظر کارگردان است پیاده شود. برای منتقدان فرمی آنچه گفته می‌شود، مهم نیست، مهم چگونگی بیان است که می‌بایست مبتنی بر عناصر زیبایی‌شناسی سینما به صورت درست و دقیق باشد. حال آیا

منتقدان فرمی برای نقد فیلم تمامی آیت‌های گفته شده را به طور دقیق و کارشناسی مدنظر قرار می‌دهند؟ پاسخ قطعاً منفی است. فارغ از اینکه اکثریت مدعیان نقد فرمی نیز مباحث محتوایی در باره فیلم انجام می‌دهند، معمولاً با قضاوت‌های کلی به‌سرآه اثر می‌روند، شاید مثلاً در مورد کارگردانی یا تدوین اظهار نظر کنند، اما هیچ کدام جنبه استدلالی و مصداقی جزئی ملموس پیدا نمی‌کند. این قضاوت‌های کلی می‌تواند به تعداد کارشناسان مختلف و متعدد و متضاد باشد چراکه معیار و سنججه‌های یکسانی برای مواجه با فیلم وجود ندارد.

■ **نقد فرمی** مبتنی بر پدیده‌هاست! همواره این منتقدین خود را پس عبارت‌های کلی و مهمل و غیرقابل سنجش پنهان می‌کنند. غالباً نقد فرمی برای منتقدین پرانده و کم‌بازده است، بازی کردن با کلمات، ادبیات سرکاری به‌دور از استدلال و مصداق. سنجش با عناصر زیبایی‌شناسی و فنی سینما در نقد آنها یافت نمی‌شود.

آفت نقد فنی و فرمی سینما قضاوت‌های کلی به‌دور از استدلال است. عبارات کلی و مهملی که قابل اثبات یار نیستند، نقد فرمی تکنیکی محسوب نمی‌شوند، چراکه وقتی صحبت از تکنیک و فنی شد باید نظری دقیق و قابل ارزیابی باشد. به قول ابطال‌گرایان از فلسفه علم که معتقدند نظر به‌ای علمی زست که قابل ابطال باشد. در نقد فرمی هم عبارت‌هایی که قابل سنجش و ارزیابی دقیق و جزئی هستند که قابل رد شدن یا تأیید شدن باشند، ارزش فنی دارند وگرنه با قضاوت‌های کلی و حرف‌های کلی که به معنای فیلم است که در ذهن دارند و بدون شک برای سازندگان اثر ارزش چندانی ندارند چراکه چیزی به آنها اضافه نمی‌کند.

نقد فیلمنامه یا نقد کارگردانی یک فیلم می‌تواند ایرادی ندارد. اگر این‌جاست که صرفاً نقد فیلمنامه یا کارگردانی را نقد فنی یا فرمی بیان کنند در حالی که از دیگر اجزای متشکل فرم سینمایی غافل شده‌اند و در عین حال مدعی‌اند اجزای فرم سینما را تأیید جدا از یکدیگر دید. محسوی را نباید از فرم جدا کرد. حال وقتی که فرم سینما را تکه‌تکه می‌کنند و صرفاً در مورد بخشی از آن صحبت می‌کنند، به راحتی می‌توان رفت و بدون شک برای سازندگان اثر ارزش چندانی ندارند چراکه چیزی به آنها اضافه نمی‌کند.

■ **پیش‌فرض داشتن در نقد محتوایی** شاید ایراد گرفته شود؛ که کسی که نظر به محتوای فیلم دارد در مورد محتوایی صحبت می‌کند که تبدیل به فرم سینمایی نشده است و چیزی که هنوز تبدیل به فرم نشده است ارزش صحبت کردن ندارد. اگر منظور این سخن فیلم‌هایی است که حداقل‌های بیان تصویری و زیبایی‌شناسی را ندارند، حرف درستی است اما اگر سخن بر اثر فیلم‌هایی است که به‌خاطر نگرش‌ها و سطح‌بیش‌های

فرمی و محتوایی مورد مناقشه و مجادله قرار می‌گیرد، این سخن همان اندازه بی‌اهمیت است که شخصی دیگر همان فیلم را خوب و دارای کار کرد می‌داند.

هر دو مدعی باید استدلال و بحث کنند. اگر کسی فیلم را واجد این ارزش می‌داند که در مورد محتوا و پیامی که فیلم دارد سخن بگوید پس نسبتی تأثیرگذار با فیلم برقرار کرده است. البته این نسبت در افراد با سطح سوادها و نگرش‌ها و دغدغه‌ها و انگیزه‌ها کاملاً متفاوت است. لذا با قطعیتی می‌توان گفت که در عالم هنر و سینما در یک‌نسبیت غوطه‌ور هستیم که نمی‌توانیم حکم کلی و قطعی صادر کنیم. اصلاً آن‌که در سینما حکم کلی و قطعی صادر می‌کند توانسته شناخت درست و عمیقی با عالم هنر و سینما برقرار کند.

پیش‌فرض داشتن در نقد محتوایی یکی دیگر از ایراداتی است که به اینگونه نقد وارد می‌کنند. درحالی که می‌توان سؤال کرد که اساساً انسان در چه کاری در امور زندگی‌اش بدون پیش‌فرض و ذهنیت است؟ ممکن است عده‌ای فیلم اخراجی‌ها یا لاتوری را یک فیلم سطحی و بی‌اهمیت و ژورنالیستی چه در ساختار و چه در محتوا بدانند که هیچ کارکرد و تأثیرگذاری روی مخاطب ندارد اما عده‌ای دیگر درگیر فیلم شده باشند و در مورد ارزش‌ها و پیام‌های فیلم با همدیگر صحبت بکنند. از این تناقض‌ها نباید فرار حذف کرد. سینما و اثر سینمایی موفق هر دو طیف را خواهد داشت و این هم به آن دلیل است که تمامی مخاطبین سینما مبتنی بر پیش‌فرض‌های ارزش‌های اخلاقی، اعتقادی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی فیلم می‌بینند و محتوا و معنا در درجه اول برایشان مهم است. هر چقدر محتوای فیلم همسو با باورها و دغدغه‌ها و مسئله‌های آنها باشد با فیلم ارتباطی بی‌واسطه‌تر و هر قدر از آنها باشد، ارتباط سرد و کم‌بازده‌تری خواهد گرفت. لذا اثری شبیه یکدیگر بسازند، منتقد نیز از این رویکرد خلاصی ندارد. لذا منتقدانی که باز مدعی این هستند که اصلاً به محتوا کاری ندارند، در صفا به فرم و ذهن‌اند و اثری شبیه یکدیگر بسازند، منتقد نیز از این رویکرد خلاصی ندارد. لذا منتقدانی که باز مدعی این هستند که اصلاً به محتوا کاری ندارند، در صفا به فرم و ذهن‌اند و

یکی اثر سینمایی می‌پردازند، غافل از این هستند که ارزیابی و تکنیکی آنها در مواجهه با فیلم، مبتنی بر پیش‌فرض‌های ارزشی و معنایی است که در ذهن دارند و با آن پیش‌فرض‌ها جهان پیرامون خود را درک می‌کنند. منتقد محتوایی مدعی این نیست که عناصر زیبایی‌شناسی یا دقت‌ها و ظریفی مختلفی که تشکیل‌دهنده فرم سینما هستند را کامل می‌شناسد و حال اجازه نقد دارد، برای او عنصر اصلی و سلول بنیادین فیلم مهم است. معنا و محتوایی که باعث شده است چنین فیلمی شکل بگیرد.

حتی برای عوامل فنی فیلم نیز معنا و محتوا بیش از هر چیز مهم است. محتوا و رویکرد معنایی فیلم است که به آنها انگیزه و شوق می‌دهد که آن کار را تمسک‌دهنده فرم و وقتی که یک فیلمنامه به جهت تکنیکی و فنی در اوج دقت و ظرافت باشد، اما معنای جدید و جذابی نداشته باشد، عوامل فنی، رغبت چندانی برای شرکت در تولید آن ندارند مگر اینکه بی‌پول باشند.

■ **پیش‌فرض داشتن در نقد محتوایی** شاید ایراد گرفته شود؛ که کسی که نظر به محتوای فیلم دارد در مورد محتوایی صحبت می‌کند که تبدیل به فرم سینمایی نشده است و چیزی که هنوز تبدیل به فرم نشده است ارزش صحبت کردن ندارد. اگر منظور این سخن فیلم‌هایی است که حداقل‌های بیان تصویری و زیبایی‌شناسی را ندارند، حرف درستی است اما اگر سخن بر اثر فیلم‌هایی است که به‌خاطر نگرش‌ها و سطح‌بیش‌های

توضیحات سیروس مقدم درباره پایتخت، علی‌البدل و همکاری با اوج

■ **مدیران اوج، پایتخت را دوست دارند**

وی درباره همکاری با سازمان اوج و اینکه در کنار آن چه پیشینه‌هایی از طرف این سازمان در فیلمنامه یا کلیات کتاب داشته است، توضیح داد: ما پیشنهاد خوب برای ساخت فیلم یا سریال را از طرف هر نهادی باشد می‌پذیریم اما اگر منظور سفارش خاصی است، تا الآن چنین دخالتی نبوده است چون فکر می‌کنم دوستان ما «پایتخت» را دوست دارند. ممکن است از بیرون از این سازمان به نظر برسد که تفکرات خاصی بر آنها حاکم است یا در خره تولید ضوابط خاصی دارند ولی به دلیل اینکه همه آنها بدون استثنا سریال «پایتخت» را دوست دارند به‌نظم انتخاب و تصمیم‌گیری درستی هم انجام می‌شود چون «پایتخت» باعث نزدیک شدن سازمان اوج به توده مردم می‌شود و از طرفی باعث می‌شود که موسسه بتواند اسم خود را در جامعه بیشتر بشنود. کارگردان «پایتخت» درباره اینکه چرا ابتدا نسخه سینمایی در این سازمان ساخته نشد، عنوان کرد: ابتدا قرار بود در سازمان اوج نسخه سینمایی «پایتخت» را بسازیم و بعد از آن سراغ سریال برویم ولی چون قرار شد سریال «پایتخت» به ماه

دولت فیلم انتقادی ساخت خودش را هم تحمل نکرد!

برنامه «به اضافه مستند» که قرار بود از سه‌شنبه این هفته با بخش مستند «مادر کشی» به کارگردانی کمیل سوهانی و از تولیدات مرکز بررسی استراتژیک ریاست جمهوری، به روی آنتن شبکه مستند برود، به‌رغم توافقات قبلی بر سر بخش این مستند با مرکز بررسی‌های استراتژیک به دلیل فشار وزیر نیرو و به این مرکز، با وجود ضیض برنامه با حضور کارشناسان موافق و مخالف موضع مستند در این حوزه لغو شد.

بر اساس این گزارش پس از اعلام خبر بخش و بررسی مستند «مادر کشی» که به بررسی بحران آب و تأثیر سدسازی بی‌رویه بر ایجاد این بحران در طول تمام دولت‌های پس از انقلاب می‌پردازد، فشارهای زیادی از طرف دولت به سازمان صدا و سیما وارد شد تا از بخش این حکم‌کنند جنجالی جلوگیری به عمل آید. اما نهایتاً با توجه به بی‌فایده بودن فشارها، مالک فیلم بخش مستند را مشروط به رضایت وزارت نیرو دانست که از چندی قبل به دنبال جلوگیری از بخش مستند «مادر کشی» بود، تا به این ترتیب بخش اولین قسمت برنامه «به اضافه مستند» از سوی مالک فیلم یعنی بخش دیگری از دولت لغو شود.

این توقیف در حالی اتفاق افتاد که پیشنهاد اضافه شدن یک آیتم توسط وزارت نیرو از سمت این نهاد رد شد و این وزارت ترجیح داد به جای معرفی نماینده جهت شرکت در برنامه و ارائه نقطه نظرات، با اعمال فشار مانع بخش مستند شود. روابط عمومی برنامه به اضافه مستند ضمن عذرخواهی از مخاطبان به جهت مشکلات به وجود آمده به اطلاع می‌رساند برنامه به اضافه مستند از هفته آینده هر سه‌شنبه ساعت ۲۰:۳۰ با بخش مستندهای جنجالی مسئله محور و بحث و بررسی پیرامون آنها به روی آنتن شبکه مستند خواهد رفت.

مستند «شب‌نامه»

■ **مستند «شب‌نامه»** مستند بلندی است که پرده از فعالیت شبکه هوشمند تغییر در حوزه کار آفرینی کشور برمی‌دارد و پس از استقبال گسترده مخاطبان، در جشنواره مردمی فیلم عمار به نمایش درمی‌آید.

مستند «شب‌نامه» به کارگردانی سید مهدی کرباسی و نویسندگی رضا صادقی در مرکز مستند گسترش فیلم تولید شده است و پس از اکران‌های موفق در دانشگاه تهران، در جشنواره مردمی سینما فلسطین در هفتمین جشنواره مردمی فیلم عمار اکران خواهد شد. این مستند پس از مخالفت اولیه در دانشگاه تهران، در حوزه هنری تهران رونمایی شد و در بیش از ۱۴۰ نوبت در دانشگاه‌ها، مساجد و پایگاه‌های بسیج به نمایش درآمد و پس از آن به صورت اینترنتی و DVD در اختیار عموم قرار داده شده که رقمی بیش از ۳۰ میلیون تومان در آمد مالی داشته است. در هفتمین جشنواره مردمی فیلم عمار این مستند به بخش مسابقه مستند با محور جنگ نرم راه یافته و علاوه بر این پوستر این مستند نیز در همین جشنواره کاندید دریافت فانوس شده بود. علاقه‌مندان برای خرید اینترنتی این مستند می‌توانند به فروشگاه اینترنتی سینمامارکت <http://cinemamarket.com> مراجعه کنند.

انتشار نسخه الکترونیک

خطرات کوچک‌ترین سرباز امام (ره)



همزمان با رونمایی از کتاب «همه سیزده سالگی‌ام» شامل خاطرات مهدی طحائیان از جنگ و دوران اسارت، نسخه الکترونیکی این کتاب نیز در ویسبایت سوره مهر در دسترس قرار گرفت. علاقه‌مندان می‌توانند با ورود به سایت سوره مهر و دانلود نرم‌افزار کتابخوان سوره مهر، این کتاب را روی یاقته یا تلفن هوشمند خود با ۵۰ درصد تخفیف نسبت به نسخه چاپی تهیه کنند.

کتاب «همه سیزده سالگی‌ام» به قلم گلستان جعفریان نوشته شده و انتشار آن را سوره مهر برعهده داشته است. این اثر یکی از کتاب‌های منتشر شده در حوزه ادبیات اسارت‌گاهی است که با قلم روان و ماجراجوی جذاب روایت شده است. طحائیان نوجوان ۱۳ ساله‌ای بود که با صاحبه جنجالی‌اش با یکی از زنان خبرنگار در جنگ مشهور شد. تأکید او بر حجاب خبرنگار و حمایت تمام‌قد او از اسام(ره) او را به یک قهرمان تبدیل کرد. او به لقب کوچک‌ترین سرباز امام(ره) داده‌اند.